



## دکتر قاسم تارمست

### عضو هیئت علمی بازنشسته گروه آمار

۱۳۸۹

اینجانب قاسم تارمست هستم. در سال ۱۳۲۳ در شهر تهران تولد شدم. دیپلم ریاضی را در دبیرستان مدرس گرفتم. مدرک کارشناسی فیزیک را از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و کارشناسی ارشد آمار را از موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک تهران و به عنوان برترین دانشجوی کارشناسی ارشد با راهنمایی استاد گرانقدر شادروان دکتر عباسقلی خواجه نوری در سال ۱۳۵۲ و دکتری آمار را از دانشگاه میسوری کلمبیا آمریکا در سال ۱۳۶۲ اخذ نمودم. در سال ۱۳۵۱ در مرکز آمار ایران به صورت رسمی به عنوان کارشناس آمار، استخدام و مشغول به کار شدم و در آذر ماه ۱۳۵۲ به دانشگاه جندی شاپور اهواز منتقل شدم. گروه آمار و کامپیوتر در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه جندی شاپور اهواز توسط زنده یاد دکتر عباس جامعی رییس وقت دانشگاه و زنده یاد دکتر مهدوی اردبیلی معاونت آموزشی دانشگاه و زنده یاد دکتر علی عمیدی مدیر گروه ریاضی آن زمان پایه گذاری شد. هدف این بود که افرادی با توانایی خوب در آمار نظری و آمار کاربردی تربیت شوند که آشنائی خوبی با یکی از رشته های عملی نزدیک به آمار داشته باشند و در پژوهشها نقش موثر ایفا کنند. بدین جهت پنج گرایش کامپیوتر و علوم تربیتی و ژنتیک و ریاضی و اقتصاد برای این دانشجویان در نظر گرفته شد. گروه آمار و کامپیوتر در سال ۱۳۵۳ پذیرش دانشجوی کارشناسی داشت. من در آذر ماه ۱۳۵۲ به گروه آمار آمدم که در آن زمان زنده یاد آقای دکتر افتخار شاهرودی مدیر گروه آمار و کامپیوتر و آقای دکتر علی عمیدی مدیر گروه ریاضی بودند و من دروس ریاضی و آمار مقدماتی را تدریس می کردم و بمدت یکسال

و نیم مدیر اداره آمار دانشگاه در معاونت پژوهشی بودم. با پیوستن آقای دکتر یدالله دوج در سال ۱۳۵۳ و دکتر فریبرز خراسانی و دکتر گمشادهی به گروه آمار و کامپیوتر در سال ۱۳۵۴ دوره کارشناسی ارشد آمار در سال ۱۳۵۴ دایر شد و می توان از آقای دکتر کاظم پور دانشجوی ممتاز کارشناسی یاد نمود. از آقایان دکتر حکیمی و دکتر عزیزی بعنوان دانشجویان کارشناسی ارشد نیز می توان یاد نمود که بعدها این عزیزان به عنوان هیئت علمی در گروه آمار خدمت نمودند.

دکتر کاظم پور ، دانشجوی ممتاز کارشناسی آمار در سال ۱۳۵۳ الی ۱۳۵۶ بود که به امریکا رفت و کارشناسی ارشد خود را گرفت که وقتی من در سال ۱۳۶۲ به ایران آمدم، ایشان با مرتبه مربی در گروه آمار تدریس می کردند و دوباره در سال ۱۳۶۴ به امریکا رفتند و در سال ۱۳۶۸ دکتر ی آمار را کسب نمودند .

اینجانب در اول اسفند ۱۳۵۶ به عنوان دانشجوی بورسیه در دانشگاه میسوری کلمبیا آمریکا در دوره دکتری آمار مشغول تحصیل شدم و تا سال ۱۳۵۸ کلیه دروس کارشناسی ارشد را گذرانم و در امتحان جامع قبول شدم و پایان نامه دکتری را با عنوان "قابلیت اعتماد یک سیستم چند متغیره" انتخاب و در سال ۱۳۶۲ از این عنوان پایان نامه با شایستگی با نمره **A+** دفاع نمودم. در آن زمان پیشنهاد های متعدد در واحدهای پژوهشی و تدریس در دانشگاه میسوری کلمبیا داشتم ولی برای خدمت به میهن خود در آن زمان به اهواز و دانشگاه شهیدچمران اهواز آمدم و مشغول خدمت شدم. آن زمان آقای دکتر حکیمی مدیر گروه و آقای دکتر نوربلوچی هیئت علمی گروه آمار و کامپیوتر بودند و تنها دوره کاردانی آمار دایر بود و دایر کردن دوره کارشناسی آمار در شورای گروه آمار مطرح شد و از طرف گروه مامور شدم که در وزارت علوم تأسیس مجدد دوره کارشناسی آمار را مطرح کنم. اینجانب در سال های ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۵ بعنوان مدیر گروه آمار و کامپیوتر همراه با دیگر همکاران، تلاش زیاد برای جذب هیات علمی آمار و کامپیوتر انجام دادیم. یکی از خاطرات جالب خدمت جذب آقایان دکتر عصاره و دکتر سید عنایت الله علوی به عنوان هیئت علمی گروه آمار و کامپیوتر می باشد که در آن زمان دانشجویان کارشناسی ارشد سخت افزار کامپیوتر و در حال نوشتن و دفاع پایان نامه های خود بودند و ایشان برای دوره دکتری کامپیوتر بورسیه شدند و گروههای کامپیوتر را در دانشکده مهندسی و دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر دایر نمودند. اینجانب به کمک آقای دکتر حکیمی و راهنمایی های ارزنده شادروان آقای دکتر علی عمیدی دوره کارشناسی ارشد آمار با گرایش علوم اقتصادی و اجتماعی را در دهه هفتاد دایر نمودیم و از دانشجویان فعال و اولیه آن دوره کارشناسی ارشد میتوان از آقایان دکتر نیپرست و حسین فر اهانی نیک یاد نمود. همچنین با آمدن دکتر پرهام و دکتر عزیزی و دکتر راسخ و دکتر چینی پرداز و دکتر زادکرمی در سال

۱۳۷۵ دوره کارشناسی ارشد محض آمار دایر شد و در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مجددا مدیر گروه آمار شدم و با همکاری سایر همکاران در سال های بعد ، دوره دکتری آمار دایر شد و اقدام به پذیرش دانشجوی نمودم.

اینجانب با مرتبه دانشیاری در تیر ماه ۱۳۸۹ بازنشسته شدم و در شهر بابلسر سکونت کردم و از تدریس در دانشگاه ویا دانشگاه آزاد و یا پیام نور برای سلامتی خود دوری نمودم و ورزشهای روزانه را با اشتیاق انجام می دهم و برای شما و سایر دوستان آرزوی سلامتی دارم.

\*\*\*

از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹ در کوی استادان زندگی کرده ام و در بعضی مواقع پیاده از کوی به دانشگاه و برعکس تردد می کردم و نابسامانیهای خیابانی و فضای سبز را به چشم می دیدم و این سوال همیشه برایم مطرح بوده است مگر در دانشگاه شهید چمران اهواز دانشکده کشاورزی و گروه باغبانی ، دانشکده مهندسی و گروه عمران وجود ندارد؟ چرا با وجود اساتید ارجمند و دانشجویان فعال مشکلات فضای سبز و مشکلات آب گرفتگی کوی اساتید حتی شهر اهواز و استان خوزستان حل نمیشود؟ با دیدن این مشکلات بخود می گفتم مشکل از کجاست؟ چرا دانشگاهیان را در حل مشکلات شهری دخالت نمی دهند؟ پس این همه علم و معرفت به چه درد می خورد؟ البته مشکلات بسیار زیادی وجود دارد که دو نمونه ساده فضای سبز و فضای آب گرفتگی کوی را مطرح نمودم. آیا این درست است که یک هیئت علمی تنها چند ساعت در هفته تدریس کند و در طول یکسال یک یا چند مقاله ISI بنویسد تا به مرتبه دانشیاری یا استادی برسد؟ آیا این فرد هیئت علمی وقتی در زمستان از آب های موجود در خیابان کوی عبور می کند فکر نمی کند عمرش تلف و دانش او نابود شده است؟ همین افکار بود که باعث شد حداقل ۲۰ رشته کارشناسی ارشد با گرایشهای مختلف با سرفصل دروس آنان را بنویسم و برای معاونت آموزشی ارسال نمایم. فکر می کنم اگر بتوانیم با دقت سرفصل های کارشناسی و کارشناسی ارشد و حتی دکتری را اصلاح نمائیم و در سرفصلهای جدید، بستگی به رشته و گرایش تحصیلی ، هر دانشجو موظف به انجام تحقیقی شود که باعث اصلاح در امور محیطی و رفتاری و اقتصادی و فضای سبز و سدها و کارخانجات و صنایع و غیره شود و این کار بایستی با دقت و جدیت و در کمال دلسوزی انجام و پیگیری شود ، در اینصورت می توانیم پیوندی مبارک بین استاد و دانشجو و پیوندی ارزشمند بین دانشگاه و صنعت بوجود آوریم و در صورت موفقیت در این امر می توانیم بیکاری و فساد اقتصادی و بلاهای طبیعی را ریشه کن کنیم.

از ریاست محترم دانشگاه و از معاونت های آموزشی و پژوهشی و دانشجویی و اداری دانشگاه و از ریاست دانشکده ها و از کلیه مدیران آموزشی و اداری دانشگاه و از استاندار محترم خوزستان تقاضا دارم به اساتید و دانشجویان دانشگاه بیشتر بها دهید تا این افراد بسیار ارزشمند وارد پژوهشهای عملی و مفید برای این مملکت شوند تا مملکت آبادتر شود تا سیل قبل از ویرانی، ریشه کن شود و از خسارت های جانی و اقتصادی و اجتماعی و روانی جلوگیری شود و ما ناظر اینهمه اندوه خسارات ناشی از سیل و زلزله نباشیم.

### چند خاطره

یکی دیگر از خاطرات جالب در دوران خدمتم تکریم به تمام دانشجویان مخصوصا دانشجویان رزمنده و احترام زیاد به خانواده های آنان بود. دانشجویانی بودند که رزمنده بودند و به جبهه می رفتند و گاه گاهی نیز در کلاس شرکت می کردند ولی امتحانات پایان نیمسال را می دادند و موفق عمل میکردند و یکی از این دانشجویان آقای دکتر شفیع بود که در تمام امتحانات نمره بسیار عالی می گرفت و باعث افتخار گروه آمار شهید چمران اهواز است. البته دانشجویان رزمنده در گروه آمار زیاد بودند. یک دانشجوی رزمنده دیگر که از یک دست معلولیت داشت به نام آقای هدایی پور بود که عکاس بسیار ماهر و مطالعات خوبی درمفاهیم کامپیوتری داشت و در آزمایشگاه آمار این مفاهیم را به دانشجویان آمار آموزش می داد که باعث خوشحالی دانشجویان می شد و با استعداد و نبوغی که داشت و با توجه به خدماتی که به آزمایشگاه آمار کرده بود در سال آخر به او نامه ای بعنوان مدیر گروه دادم و کلیه خدمات او را به آزمایشگاه آمار درج کردم و از او جهت خدمات دوران تحصیلش تشکر نمودم و او در شهر کرج توانست یک شرکت آموزشی کامپیوتر به وجود آورد و یک کارآفرین خوب و موفق شود. دانشجوی رزمنده دیگری با بیش از ۵۰ درصد معلولیت ، و بسیار ضعیف در دروس کارشناسی که با مدرک کاردانی اخراج شده بود ، توانست مفاهیم عملی کامپیوتر را در آزمایشگاه آمار بخوبی فرا گیرد و در زمان ریاست دانشگاه آقای دکتر ضرغام با موفقیت آزمایشگاه مخروبه شیمی را مجددا تبدیل به یک مرکز کامپیوتر دانشکده علوم با کمترین هزینه کند و این باعث خوشحالی بسیار زیاد من شد و باعث شد شرکتهای اهواز به دنبال او باشند. یاد تمام دانشجویان مخصوصا دانشجویان رزمنده که به گروه آمار و مملکت خودشان خدمت کردند بخیر باشد و یاد تمام آن عزیزان را گرامی می داریم.

از خاطرات بسیار جالبم در دوره مدیریت گروه آمار در سالهای ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۵ راهنمایی دانشجویان موفق و ناموافق آمار است دانشجویان آمار که بعزت کم بودن معدل اخراج می شدند من با دلسوزی و صرف وقت با آنان گفتگو و آنان را راهنمایی میکردم و با کمک خودشان و علاقه ای که داشتند آنان را کمک و راهنمایی میکردم تا ابتدا مدرک کاردانی آمار را بگیرند و سپس در امتحان کاردانی به کارشناسی رشته های مورد علاقه خود مانند حسابداری یا علوم اجتماعی و یا کامپیوتر و یا سایر رشته های عملی شرکت کنند و دوباره مشغول به تحصیل شوند و یکی از این دانشجویان کاردانی آمار به من گفت که در کارشناسی ارشد حسابداری مشغول تحصیل است که باعث خوشحالم شد.

یکی دیگر از خاطرات ارزشمند جالب خدمتم بعنوان مدیر گروه آمار در سال های ریاست دانشگاه آقای دکتر خسرو نادران طحان ، مطرح نمودن حدود ۲۰ دوره کارشناسی ارشد آمار با گرایش های اقتصادی و اجتماعی و بیمه ای و زراعی و باغبانی و دامی و روانشناسی و غیره و با نوشتن سرفصل های دروس اختیاری و اجباری آن دوره ها و ارسال این سرفصل ها به معاونت آموزشی دانشگاه ، اهمیت علم آمار را در کلیه فعالیتهای پژوهشی نشان دادم و یقین داشتم و دارم که اگر آن دوره های پژوهش محور، تصویب می شد، فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد آمار نقش بسیار مهمی را در پژوهشهای این مملکت ایفا می کردند و می توانستند در کارآفرینی نقش ارزنده ای داشته باشند ولی متأسفانه این کار مهم توسط معاونت آموزشی دانشگاه، خوب پیگیری نشد و فقط دو گرایش بیمه ای و گرایش اقتصادی و اجتماعی تصویب شد.